

اسم

اسم های قابل شمارش و غیر قابل شمارش

به طور کلی اسم در زبان انگلیسی به دو دسته قابل شمارش و غیر قابل شمارش تقسیم می شود.

اسم های قابل شمارش (countable nouns): به این اسم ها count nouns نیز گفته می شود. به اسم هایی گفته می شود که قابل شمارش هستند و می توان تعداد آنها را شمارد. مانند پرتقال، توپ، سیب و....

حال چگونه تشخیص دهیم یک اسم قابل شمارش می باشد یا خیر؟

یک اسم قابل شمارش می باشد اگر قبل از آن حروف تعریف a, an و یا one به کار رود. مثال:

I own a car. / She plays with an ostrich. / I have a good job.

یک اسم قابل شمارش می باشد اگر به دنبال many, few, these, those بیاید.

She has many friends. (Incorrect: she has much friends).

Those meals were delicious.

یک اسم قابل شمارش می باشد اگر بتوانیم مقدار آن را با استفاده از اعداد و ارقام قبل از اسم بیان کنیم.

I have five apples. / I bought two books.

اسم های غیر قابل شمارش (uncountable nouns): به این اسم ها non-count یا mass nouns نیز گفته می شود. به اسم هایی گفته می شود که نمی توان آنها را شمارد. مانند شن، آب و....

یک اسم غیر قابل شمارش است اگر a, an, one قبل از آن نتوان به کار برد. بلکه باید با some مورد استفاده قرار بگیرند.

He is eating some rice. (Incorrect: a rice)

چون برنج غیر قابل شمارش است پس باید از some استفاده کرد و به کلاربردن a همراه آن کاملاً اشتباه می باشد.

یک اسم غیر قابل شمارش است اگر بتوان همراه much, little آنها را به کار برد.

How much rice have you eaten? (Incorrect: how many rice).

اسمی غیر قابل شمارش است اگر نتوان آن را شمارد. هر چند ما می توانیم آن را به کمک داشتن مقدار و کمیت آن قابل شمارش کنیم. به مثال زیر دقت کنید. در این مثال شیر غیر قابل شمارش می باشد اما به کمک کارتن محتوی شیر می توان آن را شمارد.

I have just bought two cartons of milk. (Incorrect: I have just bought two milk).

اسمی غیر قابل شمارش است اگر فقط به صورت مفرد وجود داشته باشد و جمع بسته نشود.

Some ice (not some ices)

Some ink (not some inks)

Some soup (not some soups)

بعضی از اسم ها می توانند هم قابل شمارش باشند و هم غیر قابل شمارش، که بستگی به نوع استفاده از این اسم ها در جمله دارد.

I boil an egg. (Countable noun)

I like egg. (Uncountable noun)

در مثال دوم چون کلمه تخم مرغ به معنی عام به کار رفته است غیر قابل شمارش می باشد.

اسم های غیر قابل شمارش به طور رایج به دنبال اصطلاحاتی چون most of the, all of the, all the, half the می آیند.

نکته: بسیاری از اسم های غیر قابل شمارش را می توان به اسم قابل شمارش تبدیل کرد. برای این منظور کفایت از این کلمات و عبارات قبل از اسم استفاده کرد. مانند:

Bits of, little bits of, a bit of, a piece of

Example: I bought a **piece of** furniture.

در جدول زیر خلاصه ای از تفاوت‌های اسم chair (قابل شمارش) و furniture (غیر قابل شمارش) نشان داده شده است.

Count and non-count nouns		
<p>I bought a chair. Tom bought three chairs. We bought some furniture.</p> <p>Incorrect: we bought a furniture.</p>		<p>Chair یک اسم قابل شمارش می باشد. صندلی آیتمی است که می توان تعداد آن را شمرد.</p> <p>Furniture یک اسم غیر قابل شمارش می باشد و از لحاظ دستوری اسمی نمی توان آن را شمرد.</p>
	singular	plural
Count noun	<p>A chair One chair</p>	<p>Ø chairs Two chairs Some chairs A lot of chairs Many chairs</p>
Non-count noun	<p>Ø furniture Some furniture A lot of furniture Much furniture</p>	<p>اسم های غیر قابل شمارش شکل جمع ندارند پس s, es نمی گیرند و به دنبال a, an نمی آیند.</p>

در این جزوه سعی می شود که کلمات غیر قابل شمارش و طیف وسیع این کلمات بررسی و تجزیه و تحلیل شود.

NON-COUNT NOUNS	
<p>I bought some chairs, tables, and desk. In other words, I bought some furniture.</p> <p>I put some sugar in my coffee.</p>	<p>بسیاری از اسم های غیر قابل شمارش مانند furniture به کل و تمام چیزی اشاره دارد که خود از قسمتهای مختلفی تشکیل شده است که ممکن قابل شمارش باشند. مانند chair, table, desk</p> <p>Sugar و coffee نشان دهنده کل مقدار حجمی است که اجزا و</p>

	عناصر متفاوتی تشکیل شده است و هر دو غیر قابل شمارش هستند.
I wish you luck .	بسیاری از اسم های غیر قابل شمارش خیالی هستند. مثلا luck یا شانس یک مفهوم کاملا معنایی می باشد که به صورت فیزیکی وجود ندارد و قابل لمس کردن و شمردن نیست.
Sunshine is warm and cheerful.	پدیده های طبیعی مانند نورخورشید، باد، برف و... اغلب به عنوان اسم غیر قابل شمارش به کار می روند.
Non-count: Tom has brown hair . Count: Tom has a hair on his jacket.	بسیاری از اسمها با توجه به نوع کاربردشان در جمله می توانند هم قابل شمارش باشند هم غیر قابل شمارش. بهترین مرجع برای این قسمت و موضوع اسم دیکشنری می باشد.
Non-count: She opened the window to let it some light . Count: Please turn off the light .	

لیست زیر شامل اسم هایی است که اغلب به عنوان غیر قابل شمارش به کار می روند. البته اسم های زیاد دیگری هم وجود دارند که می توانند در این لیست قرار بگیرند.

(a) تمام گروهایی که از اجزای مشابه هم تشکیل شده است. مانند:

Baggage, clothing, equipment, food, furniture, fruit, garbage, hardware, jewelry, junk, luggage, machinery, mail, makeup, money/cash/change, postage, scenery, traffic, etc.

(b) مایعات (سیالات). مانند:

Water, coffee, tea, milk, oil, soup, gasoline, blood, etc.

(c) جامدات. مانند:

Ice, bread, butter, cheese, meat, gold, iron, silver, glass, paper, wood, cotton, wool, etc.

(d) گازها:

Steam, air, oxygen, nitrogen, smoke, smog, pollution, etc.

(e) ذرات .مانند:

Rice, chalk, corn, dirt, dust, flour, grass, hair, pepper, salt, sand, sugar, wheat, etc.

(f) اسم معناها .مانند:

_ beauty, confidence, courage, education, enjoyment, fun, happiness, health, help, honesty, hospitality, importance, intelligence, justice, knowledge, laughter, luck, music, patience, peace, pride, progress, recreation, significance, sleep, truth, violence, wealth, etc.

_advice, information, news, evidence, proof, etc.

_ time, space, energy, etc.

_homework, work, etc.

_grammar, slang, vocabulary, etc.

(g) زبانها . مانند:

Arabic, Chinese, English, Spanish, etc.

(h) رشته ی تحصیلی. مانند:

Chemistry, engineering, history, literature, mathematics, psychology, etc.

(i) سرگرمی و تفریح. مانند:

Baseball, soccer, tennis, chess, bridge, poker, etc.

(j) فعالیتها. مانند:

Driving, studying, swimming, traveling, walking, etc. (and other gerund).

(k) پدیده های طبیعی. مانند:

Weather, dew, fog, hail, heat, humidity, lightning, rain, sleet, snow, thunder, wind, darkness, light, sunshine, electricity, fire, gravity, etc.

چند مثال از اسم های غیر قابل شمارش:

The children got scared when they heard **thunder** during the storm.

I went to store to get some nails, hammers, and screw. In the other words, I bought **some hardware**.

I have been in London three times. I have spent **a lot of time** there.

Windows are made of **glass**.

I have some coins in my pocket. In other words, I have **some change** in my pocket.

ایران مدرس – بزرگترین سایت تدریس و آموزش زبان انگلیسی و سایر دروس

www.IranModares.com

برای دریافت جزوات آموزشی بیشتر زبان انگلیسی و سایر دروس و همچنین برای مشاهده لیست

مدرسین تدریس خصوصی زبان انگلیسی، دروس ابتدایی و متوسطه، کنکور و دانشگاه و ... به

سایت ایران مدرس مراجعه کنید.

www.IranModares.com

www.IranModares.com